

طرح پیشنهادی برای قطعنامه در باره بحران هسته ای ایران

رسول آذرنوش
سپتامبر 2010

طرح پیشنهادی برای قطعنامه در باره بحران هسته ای ایران
1- شورای امنیت سازمان ملل متحد در خرداد ماه سال جاری چهارمین قطعنامه خود را در رابطه با بحران هسته ای ایران به تصویب رساند که در آن ضمن تاکید بر حق ایران به فن اوری صلح امیز اتمی، جمهوری اسلامی را بدلیل بی اعتنائی به قطعنامه های پیشین شورای امنیت محکوم کرده و سپاه پاسداران و شرکتهای وابسته به آنرا بمثابه نیروی هدایت کننده برنامه هسته ای، مورد تحریم های نظامی و اقتصادی قرار داده است. به دنبال تحریم های سازمان ملل، تحریم های مضاعفی نیز از سوی امریکا اتحادیه اروپا ژاپن کانادا و استرالیا در عرصه های مختلف اقتصادی از جمله در صنایع نفت و گاز ایران اعمال شده است. ابعاد وسیع این تحریم ها و همچنین تهدیدات، نقل و انتقالات و مانورهای نظامی در ابهای خلیج فارس نشان میدهند که بحران اتمی ایران وارد مرحله جدیدی شده و خطر جنگ به نسبت گذشته افزایش یافته است.

2- تحریم های بین المللی و خطر جنگ علیه ایران در شرایطی شدت گرفته که شکاف بین مردم و رژیم عمیق تر شده و سرکوب جنبش 22 خرداد به انزوای سیاسی رژیم در کشور ابعاد وسیع تری بخشیده است. شعار های مردم در جنبش سبز علیه سیاست خارجی ماجراجویانه دولت احمدی نژاد، نشانگر گسترش مخالفت مردم با اتمی شدن ایران است. در افکار عمومی جامعه مسئولیت این تحریم های فزاینده که بار عمده آن بر دوش مردم سنگینی میکند متوجه باند خامنه ای - احمدی نژاد و مافیای حاکم بر کشور است که با اختصاص بخش بزرگی از در آمد های حاصله از نفت به برنامه اتمی، حمایت مالی و نظامی از حزب اله لبنان و حماس غزه، انکار هلوکست و تکرار شعار نابودی اسرائیل، ایران را به لبه پرتگاه جنگی ویرانگر می کشانند

3- هدف سیاست اتمی رژیم، تبدیل شدن به یک قدرت اتمی در منطقه ولو بقیمت جنگ است. تمام مانور های جمهوری اسلامی در مذاکرات اش با کشور های 1+5 در خدمت همین هدف قرار دارد در داخل کشور نیز لازمه پیشبرد این سیاست سرکوب جنبش اعتراضی مردم و ایجاد سکوت گورستانی با گسترش جو رعب و وحشت در جامعه از یکسو، و سرپوش نهادن بر اختلافات میان خودی ها و خصوصا تهدید و تطمیع محافل اصلاح طلب در جهت پذیرش اوامر ولی فقیه و یا حتی التزام به حکم حکومتی و باز گشت به نظام از سوی دیگرست. این تاکتیک خامنه ای اگر چه در پاره ای اصلاح طلبان تمایل به اشتی ملی علیه تهدید خارجی را برانگیخته

است، لکن با مقاومت موسوی و کروی و اغلب اصلاح طلبان زندانی رو برو گردیده است. با این وجود، عدم مرز بندی موسوی کروی با اساس سیاست اتمی رژیم محکوم کردن کلیه تحریم های بین المللی و خصوصا فشاری بر غنی سازی از سوی آنان (در شرایطی که این حتی از لحاظ صرفا اقتصادی هم برای ایران مقرون بصره نیست) عملا بخشی از جنبش سبز را در برابر رژیم خلع سلاح نموده و از این طریق به کل این جنبش آسیب میرسانند.

4- استراتژی امریکا و غرب در بحران هسته ای ایران، جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای حتی از طریق مداخله نظامی و توسل به جنگ است. اما هم جنگ و هم دستیابی رژیم به سلاح هسته ای، الترناتیو هائی هستند که نمیتوانند جز به تخریب و کشتار، خانه خرابی مردم، تقویت استبداد و سرکوب نیرو های ترقی خواه و دموکرات کشور منجر شوند. بر عکس، وادار کردن رژیم به نوشیدن جام زهر و پذیرش تعلیق غنی سازی و عقب نشینی در بحران هسته ای، خطر جنگ را برطرف ساخته، به تحریم های بین المللی پایان داده و موجب تضعیف رژیم، تشدید تضاد های درونی آن، محدود شدن امکانات سرکوب و در نتیجه فراهم شدن شرایط گسترش جنبش دموکراتیک مردم میگردد. این الترناتیو اما، تنها با مبارزه مردم با توجه به توازن قوای موجود در کشور، ممکن و قابل تحقق نیست. بعلاوه رژیم بدون کمک شرکت های خارجی و واردات تکنولوژی هسته ای و تسلیحات مربوطه، که 20% از کل واردات ایران را تشکیل میدهد، قادر به تداوم غنی سازی اورانیم و دستیابی به سلاح هسته ای نیست. بهمین دلیل تلفیق تحریم های هدفمند بین المللی، با مخالفت و مبارزه ملت ایران علیه سیاست اتمی رژیم شرط اجتناب نا پذیر عقب نشینی رژیم و حل بحران هسته ای ایران است. مخالفت با این تحریم ها و تنها طرح خواست تعلیق غنی سازی خطای بزرگی است که عملا دست جمهوری اسلامی را در دستیابی به سلاح هسته ای باز میگذارد.

5- بی تردید هر گونه تحریم، ولو هوشمندانه ترین تحریم ها، علیه سپاه پاسداران که شریان های اقتصادی جامعه را در دست دارد تاثیرات زیانبار و مخربی بر اقتصاد بحرانی ایران و از آن طریق بر زندگی و معاش توده مردم بر جای مینهد. اما دیگر الترناتیو های موجود یعنی جنگ و یا اتمی شدن جمهوری اسلامی بسی منفی تر و مخرب تر از تحریم هاست. اینجا مساله نه بر سر انتخاب میان خوب و بد بلکه بر سر انتخابی است گریز نا پذیر میان بد و بدتر. از اینرو چهارمین گرد همائی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، ضمن محکوم کردن هرگونه حمله نظامی به ایران و با تائید و تاکید بر خواست تعلیق غنی سازی و مبارزه در راه تحقق خاور میانه ای عاری از سلاح هسته ای از چهارمین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد پشتیبانی میکند.